الگوی پذیرش دانشجویان بین المللی در دانشگاه‌های ایران: موانع و راهکارها

بهرام نوازنی[1]

چکیده

جذب دانشجویان بین المللی یکی از راهکارهای مؤثر برای معرفی فرهنگ و تمدن کشور بـه ملـل دیگـر و ایجـاد ارتبـاط مؤثر با آنان در زمانی است که هر یک زمام امری را در کشور خود به دست گیرنـد. ایـن مهـم زمـانی تحقـق مـی‌یابـد کـه داوطلبانی نخبه از کشورهایی که حایز منافع ویژه برای کشور باشند جذب گردند و در طول زمان تحصیل چنـان آسـایش و آرامشی برای آنان فراهم گردد که با خاطری خوش به کشور خود بازگشته و همواره آرزوی دیدار مجدد و ارتباط مستمر با دوستان خود در کشور محل تحصیل خود داشته باشند. برخورداری از یک الگوی مشخص و منسجم در این زمینـه کـه در طول زمان نیز مورد حک و اصلاح قرار گرفته باشد عامل مؤثری برای به ثمر نشستن چنـین الگـو و در نتیجـه دسـتیابی بـه اهداف عالی فرهنگی و سیاسی کشور می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران نیز از بدو تأسیس خود این رویکرد را در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی خـود قـرار داد و بـا تأسـیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ که بعدها به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تغییر نـام یافـت آن مهـم را در سال ۱۳۷۳ به این دانشگاه واگذار نمود تا با تشکیل دبیرخانه مرکزی پذیرش دانشجویان خارجی اقدام کند. اما سیاسـت تمرکززدایی سال ۱۳۸۲ و صدور مجوز پذیرش مستقیم از سوی دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی موجب فـراز و نشـیبی در این روند گردید. این مقاله با بررسی الگوی پذیرش دانشجویان بین المللی در دانشگاه‌های ایرانی تلاش می‌کند تا مسـائل و مشکلات قانونی و اجرایی این روند را تحلیل نماید و راهکار مناسبی برای جابجایی دانشجو که اولویت نخست بین‌المللـی کردن آموزش عالی می‌باشد ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، ایران، دانشگاه بین‌المللی، دانشجویان بین المللی، سیاست خارجی

مقدمه

انقلاب اسلامی با وجود تفاوت‌های آشکاری که هم در ایدئولوژی و هم در سیاست با انقلاب‌های دیگر داشت، در دشـمنی با وضع موجود و سلطه قدرت‌های استبدادی و استعماری در هر دو سطح داخلی و بـین‌المللـی و ارائـه رویکـرد جدیـدی برای زندگی بشریت، شباهت بسیاری با آنها داشته است. برداشت رهبران انقلاب اسلامی از نظام جهانی بـا سـلطه اسـتکبار

[1]. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی

جهانی مترادف بود و از نظر آنان مستضعفان موظف بودند که برای ریشه‌کنی این سلطه مبارزه کنند و در این راه استقامت ورزند. مستضعفان مورد علاقه انقلاب اسلامی نه فقط مردم مسلمان فلسطین و افغانستان بلکه مردم غیر مسلمان جهان سوم مثل آفریقای جنوبی و نیکاراگوئه نیز که قربانیان این نظام سلطه بودند بشمار می‌آمدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی با تعیین "سعادت بشر در کل جهان" به عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی، این رویکرد جدید را در مقدمه و فصول مختلف خود مورد تأکید و تصریح قرار داد و حتی آن را در اصل ۱۷۷ خود "تغییرناپذیر" اعلام نمود. هیچ مرز جغرافیایی در مقابل پیام اسلام و انقلاب اسلامی احساس نمی‌شد و امام خمینی (ره) نهضت خود را مرحله‌ای از یک نهضت فراگیر می‌دانست که با تداوم خود بزودی جهان، از جمله جهان اسلام، را در نور خواهد دید.

انقلابیون مسلمان ایرانی و دولت انقلابی ایران را از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به رویارویی با نظام سلطه جهانی برانگیزد و امکانات و توانایی‌های خود را در چندین جبهه فرهنگی، علمی، سیاسی، پزشکی، اقتصادی و نظامی آرایش دهد. از میان این تلاش‌ها، الگوی پذیرش دانشجویان بین المللی در دانشگاه‌های ایران است و این مقاله ضمن مراجعه به قوانین موضوعه و اسناد مربوطه تلاش می‌کند تا علل و انگیزه‌های جمهوری اسلامی ایران در پذیرش دانشجوی غیر ایرانی را شناسایی و تحولات سیاست‌های مربوطه در طول دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از تمرکزگرایی تا تمرکززدایی و از فردگرایی یا ساختارگرایی، را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. تضاد میان قوانین موضوعه، اختلاف میان نهادهای مسئول، و همچنین ناتوانایی‌ها و کمبودهای آموزشی و رفاهی موجود در تأمین اهداف مورد نظر در سیاست پذیرش دانشجوی غیر ایرانی مورد توجه این پژوهش است که با استفاده از مشاهدات شخصی، نظرات کارشناسان دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی که عهده دار مسئولیت دبیرخانه پذیرش دانشجو در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) در دربند تهران بودند و همچنین بایگانی مکتوب و نرم افزاری این دفتر و در نهایت طرح یک پرسشنامه و توزیع آن در میان دانشجویان بین المللی شاغل به تحصیل در دانشگاه اطلاعات فراوانی بدست آمد که بدون کاربرد نرم‌افزار آماری برای کشف فراوانی‌ها غیر ممکن و شناسایی موانع و مشکلات موجود در روابط اجتماعی دانشجویان غیر ایرانی با دانشجویان ایرانی دشوار می‌نمود. امیدوارم که در پایان بتوانم راهکار مناسبی برای جابجایی دانشجو که اولویت نخست بین‌المللی کردن آموزش عالی است ارائه نمایم.

الگوی پذیرش دانشجویان بین المللی

الگوی پذیرش دانشجویان بین المللی در دانشگاه‌های ایران را می توان با مراجعه به قانون اساسی و قانون تأسیس و اساسنامه دانشگاه بین المللی و دیگر آیین‌نامه‌های وزارتی در این باره شناسایی کرد. از نظر انقلاب اسلامی، استفاده از علم و توسعه علمی نه فقط برای کشور بلکه باید برای تقویت بنیان علمی مسلمانان و مستضعفان جهان بکار گرفته شود. بند ۶ از اصل ۲ قانون اساسی یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی را «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» دانسته که «از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. .. تأمین می‌کند.» از این رو است که اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی را موظف نموده تا برای دستیابی به این هدف به «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها» (بند ۱) و «تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت» اقدام کند. [i]

به این ترتیب طبق الگوی مورد نظر انقلاب اسلامی، علوم و فنون وسایلی مادی برای نیل به هدف دینی که همان کرامت و ارزش والای انسانی باشد بشمار می‌رود و ابزار عمده آن نیز آموزش مسلمانان و غیر مسلمانان غیر ایرانی بر طبق آموزه‌های

اسلامی و انقلابی و همچنین توسعه علم و کسب بالاترین درجات علمی می‌باشد. نخستین دانشگاهی که به منظور «معرفی فرهنگ و تمدن و معارف اسلامی که بزرگترین حامی علم و عالم در جهان بوده است و احیاء شیوه تعلیمی و تربیتی آن» تشکیل شد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بود که بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۹ دی ۱۳۶۲ تصویب و در ۲۹ دی ۱۳۶۲ به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامه شماره ۴۶۰۳/۱ مورخ ۱۳۶۲/۱۱/۴ از سوی رییس جمهور برای اجرا به نخست وزیری ابلاغ گردید.[ii] ماده ۱ این قانون، دانشگاه را نه فقط «یک مؤسسه آموزشی» بلکه «فرهنگی» نیز معرفی می‌کند که باید زیر نظر «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کنونی) اداره شود. ادغام دو ویژگی فرهنگی و آموزشی به این دانشگاه اجازه می‌داد تا علاوه بر «تربیت متخصصان متعهد به منظور بی نیازی علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی و کشورهای مستضعف از جوامع مستکبر و سلطه‌جو، عالمان غیر مسلمان و غیر متعهد،» اقدام به «گسترش و تحقق فرهنگ اسلامی در جهان اسلام، نشر فرهنگ و معارف اسلامی در سطح بین‌المللی و برقراری ارتباط با شخصیت‌ها و مراکز علمی جهان بویژه شخصیت‌ها و مراکز اسلامی» نماید.

طبق این قانون، آموزش و تربیت دانشجویان غیر ایرانی متقاضی تحصیل در ایران بطور انحصاری در اختیار این دانشگاه قرار داشت که به همین منظور تشکیل می‌شد. منظور از «بین‌المللی» بودن دانشگاه، پذیرش دانشجویان کشورهای مختلف جهان برای آموزش در دوره‌های مختلف دانشگاهی بود. با وجود رسمی بودن زبان فارسی در کشور، اهمیت بین‌المللی دانشگاه موجب شده بود که در ماده ۶ علاوه بر زبان فارسی، «تدریس به زبان عربی و اردو و سایر زبان‌ها» نیز «بر حسب نیاز مجاز» شمرده شود و در ماده ۲۰ نیز به دانشگاه اجازه داده شود که «در صورت ضرورت با رعایت اصل ۸۲ قانون اساسی به استخدام متخصصان خارجی حتی الامکان مسلمان واجد صلاحیت علمی، اخلاقی و دینی اقدام کند» و یا «عده‌ای از فارغ‌التحصیلان برجسته مسلمان و متعهد دوره‌های عالی (لیسانس یا کارشناس به بالا) را برای احراز تخصص به خارج اعزام نماید.» در این قانون، دانشگاه بین‌المللی «اسلامی» خوانده شده بود چرا که طبق ماده ۲۱ آن، از جمله شرایط سنگین پذیرش داوطلبان اعم از ایرانی و غیر ایرانی، مسلمان بودن و برخورداری آنها از تعهد و التزام عملی به تعالیم اسلامی برشمرده شده بود.

تبصره ماده ۲۱ نیز که تذکر می‌دهد «تعداد دانشجویان داخلی دانشگاه در هر نوبت گزینش نباید از یک سوم ظرفیت آن کمتر باشد» در واقع بدین معنی بوده است که این دانشگاه با وجودی که بعنوان مرکز پذیرش دانشجوی غیر ایرانی بشمار می‌رود اما تعداد این دانشجویان نباید از دو سوم کل دانشجویان بیشتر شود بلکه دانشجویان غیر ایرانی باید در معاشرت با دانشجویان ایرانی انس پیدا کرده و با فرهنگ اسلامی و انقلابی ایرانیان بطور عملی آشنایی پیدا کنند. به این ترتیب از نظر قانونگذاران، تنها ادامه تحصیل مسلمانان متعهد کشورهای دیگر در داخل کشور مجاز شمرده شده بود و آن هم باید از مجرای خاصی و تنها با پذیرش در «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» صورت می‌پذیرفت.

به قدرت رسیدن جناح‌های مختلف در دوره‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون و صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی از سوی وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز موجب وضوح بیشتر این الگوی پذیرش و تغییرات بعدی آن شده است. نخستین «آیین‌نامه پذیرش دانشجو از خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور» در ۵ ماده و در ۱۳۶۲/۲/۹ به امضای وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی رسید. در مقدمه این آیین‌نامه که پیش از تأسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» صادر شده بود، هدف از این الگو «گسترش روابط علمی و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان و عرضه بخشی از امکانات تحصیلی

کشور بر اساس جهان‌بینی اسلام به جوانان مستعد سایر کشورها خصوصا کشورهای اسلامی و مستضعف و فراهم آوردن تسهیلات برای شناساندن بهتر انقلاب اسلامی» ذکر شده بود. آیین نامه مورخ ۱۳۶۵/۷/۳۱ که پس از تأسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» تهیه و امضا شد با عنوان «آیین نامه پذیرش دانشجو از خارج از کشور جهت ادامه تحصیل در دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران»، در تاریخ ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ به شماره ۱۱/۲۵۶۹۷ خطاب به دکتر محمود بروجردی، نخستین سرپرست این دانشگاه ابلاغ گردید. الگوی پذیرش در این آیین‌نامه شباهت بیشتری با آیین‌نامه پیشین داشت تا با قانون تأسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران» چرا که بی توجه به بین‌المللی بودن زبان تدریس در دانشگاه و انحصار در پذیرش دانشجوی مسلمان متعهد، هدف از این الگو را «معرفی و نشر فرهنگ اسلامی، تربیت متخصصین متعهد و گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر بویژه ملل مسلمان» ذکر کرده بود و پذیرش قطعی افراد را «منوط به دانستن زبان فارسی و یا گذرانیدن موفقیت آمیز دوره زبان فارسی» کرده بود. (بند و، ماده ۳)

آیین‌نامه شماره ۷ که با عنوان «آیین نامه پذیرش دانشجویان خارجی» در ۱۳۷۳/۳/۲۷ به امضای محمد رضا هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی و سید علیرضا مرندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسید نخستین آیین‌نامه مشترک میان دو وزارتخانه بود. در این آیین‌نامه برای نخستین بار به قانون تأسیس ولی با نام جدید «دانشگاه بین‌المللی امام خمینی» و مصوبه ۱۳۷۱/۲/۱۰ شورای عالی تبلیغات خارجی استناد شده بود که بر اساس ماده اول آن «مرجع بررسی اولیه درخواست‌های متقاضیان خارجی اعم از مقیم ایران یا در خارج از کشور برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی می باشد.» در تبصره این ماده تصریح شده بود که «کلیه سازمان‌های دریافت کننده تقاضای داوطلبین باید پرسشنامه و مدارک دریافتی را مستقیما برای انجام رسیدگی‌های لازم به دانشگاه مذکور ارسال دارند.» تبصره ۱ از ماده ۲ به دانشگاه اختیار داده بود که برای آن دسته از داوطلبانی که ارزش دیپلم آنها با دیپلم ایران برابری نمی‌کند دوره‌های تکمیلی به میزانی که خود لازم می داند بگذارد تا داوطلبان «پس از گذراندن دروس پیش دانشگاهی برای ادامه تحصیل به دانشگاه‌های معین معرفی شوند.» بر اساس بندهایی از ماده ۵، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی مسئولیت داشت تا در زمینه اخذ روادید و پروانه اقامت دانشجویان خارجی از طریق مراجع ذیصلاح اقدام کند و در زمینه امور فرهنگی و فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان خارجی را نیز با هماهنگی دانشگاه‌های محل تحصیل «برنامه‌ریزی» کند. الزام به گذراندن دوره آموزش زبان فارسی همچنان مورد تأکید قرار داشت و «پذیرش قطعی افراد منوط به دانستن زبان فارسی یا گذرانیدن موفقیت آمیز دوره زبان فارسی و دوره‌های تکمیلی و پیش دانشگاهی» شده بود. (تبصره بند ه ماده ۳) ماده ۴ این آیین‌نامه حتی به دانشگاه‌های دیگر اجازه نمی‌داد که هزینه تحصیلی دانشجویان خارجی را خود تعیین نمایند و این مهم به پیشنهاد ادارات کل دانشجویان داخل دو وزارت و تصویب شورای هماهنگی پذیرش دانشجویان خارجی موکول شده بود و ماده ۵ نیز اختیار تعیین ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف را برعهده دو وزارت گذارده بود اما در تبصره این ماده «اولویت پذیرش در دانشگاه‌ها را به ترتیب در شهرهای. .. ۱- قزوین ۲- تهران ۳- اصفهان ۴- شیراز ۵- مشهد ۶- تبریز» تعیین کرده بود.

«آیین‌نامه پذیرش دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جمهوری اسلامی»[iii] که در ۸ ماده در ۱۳۸۴/۵/۱۰ به امضاء جعفر توفیقی و مسعود پزشکیان از وزیران اصلاح‌طلب کابینه سید محمد خاتمی، رییس جمهور مروج گفتگوی تمدن‌ها، رسید از بروز تغییرات بیشتری حکایت داشت. در مقدمه این آیین‌نامه «امکان تحصیل داوطلبان

غیر ایرانی» در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران را در راستای «گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها» معرفی می‌کرد و بر اساس این آیین‌نامه، تقسیم‌بندی سه گانه الف[iv]، ب[v] و ج[vi] حذف گردیده و دانشجویان غیر ایرانی به دو دسته بورسیه و غیر بورسیه تقسیم می‌شدند. در تبصره ۳ ماده ۱ این آیین‌نامه بدون توجه به وجود و فعالیت دبیرخانه مرکزی مستقر در دفتر دانشگاه بین المللی امام خمینی در تهران، یک «دبیرخانه شورای بورس دانشجویان غیر ایرانی» طراحی شد که بطور موازی عهده دار «تشکیل پرونده متقاضیان و پیگیری مصوبات شورا» بود.

آخرین تحولات تا تاریخ انتشار این مقاله در آیین‌نامه ۱۶ ماده‌ای که با امضای محمد مهدی زاهدی و کامران باقری لنکرانی وزیران علوم و بهداشت کابینه محمود احمدی نژاد، رییس جمهور اصول‌گرا، در اردیبهشت ۱۳۸۵ به امضا رسید صورت پذیرفت. در این آیین‌نامه ضمن تأکید بر «کارکرد راهبردی» آموزش در «رقابتی گسترده و با ژرفایی عمیق و پهنایی وسیع میان دولت‌ها،» هدف از اعطای بورس تحصیلی را «جذب هر چه بیشتر نخبگان، اندیشمندان و کارشناسان سایر کشورها در جریان» این رقابت دانسته و مسئولیت «جمهوری اسلامی بعنوان ام‌القرای مسلمین» را «خطیر و بس سنگین» و آن را فراتر از گذشته در «حمایت از جوانان مستعد به ویژه جوانان کشورهای اسلامی» عنوان نموده است. به این ترتیب و به لحاظ نظری، جمهوری اسلامی در الگوی پذیرش دانشجویان بین‌المللی، دیگر خود را محدود به پذیرش داوطلبان مسلمان نکرده و دایره فعالیت خود را گسترده‌تر کرده تا بتواند دانشجویان غیر مسلمان را نیز پذیرش نماید. مراجعه به بیش از ۶۰۰ پرونده پذیرش شدگان از کشورهای غیر اسلامی مختلف حاکی از آن است که تعداد ۶۵ نفر از اینها از پیروان مسیحیت (۵۲ نفر) و بودایی (۱۲ نفر) پذیرش شده‌اند. جدول شماره ۲ نیز تأیید می‌کند که کمیته علمی هیچگاه پذیرش مذهب را عامل تعیین کننده در پذیرش یا رد داوطلبان غیر ایرانی بشمار نیاورده است ولی معلوم نیست که چرا غیر مسلمانان، محدود به پیروان این دو آیین شده‌اند و چرا این بوداییان همگی تبعه ژاپن، کره جنوبی، تایلند و ویتنام جملگی زن بوده‌اند. در ماده ۱ این آیین‌نامه اهداف این الگو بدین شرح اعلام شده است:

۱) گسترش زبان و ادبیات فارسی و ایجاد و تقویت کرسی‌ها و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی ۲) گسترش روابط علمی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر جهان، ۳) حمایت از جوانان مستعد کشورهای اسلامی، ۴) فراهم نمودن بستر مناسب برای شناساندن بیشتر و بهتر جمهوری اسلامی، ۵) معرفی، نشر و توسعه فرهنگ ایرانی اسلامی، ۶) کمک به رشد و توسعه بهداشت و درمان در کشورهای اسلامی و در حال توسعه، ۷) تربیت متخصصان متعهد به منظور کمک به خودکفایی علمی کشورهای اسلامی.

روند پذیرش دانشجویان بین**المللی**

تا تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۲ که جعفر توفیقی، در بخشنامه‌ای به کلیه دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و غیر دولتی کشور اجازه داد تا با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط و هیئت امنای خود «در رشته‌های دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارت نسبت به پذیرش دانشجوی غیر ایرانی اقدام نمایند» (ماده ۱) پذیرش صرفا و بصورتی متمرکز از طریق دبیرخانه مرکزی انجام می‌شد. اما در این بخشنامه به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی اجازه داده شده بود که «در صورت تمایل دوره آموزشی را به زبان دوم – ترجیحا زبان انگلیسی – برگزار نماید.» (ماده ۳) به این ترتیب نه تنها تمرکز پذیرش دانشجو در دبیرخانه مرکزی مستقر در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و همچنین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از میان رفت بلکه انحصار زبان فارسی در آموزش، و استثناء دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در ارائه دروس به زبان خارجی نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفت.

جدول ۱: آمار پذیرش شدگان غیرایرانی ۱۳۷۳-۱۳۸۴

سال	محل کمیته علمی	تعداد پذیرش	سال	محل کمیته علمی	تعداد پذیرش
۱۳۷۳	دانشگاه بین المللی امام خمینی	۱۵۲	۱۳۸۰	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۵۳۷
۱۳۷۴	دانشگاه بین المللی امام خمینی	۲۰۲	۱۳۸۱	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۶۰۸
۱۳۷۵	دانشگاه بین المللی امام خمینی	۴۵۱	۱۳۸۲	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۴۰۲
۱۳۷۶	دانشگاه بین المللی امام خمینی	۶۵۰	۱۳۸۳	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۵۸۰
۱۳۷۷	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۳۵۹	۱۳۸۴	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۳۸۳
۱۳۷۸	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۴۱۴	جمع		۵۲۳۰
۱۳۷۹	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۴۹۲			

آمار موجود از تعداد پذیرش شدگان نشان می‌دهد که فعالیت کمیته علمی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۶ که در دفتر دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در دربند تهران مستقر بود با وجودی که در مقایسه با آمار پذیرش کشورهای همتراز جمهوری اسلامی همچون ترکیه و مالزی ناچیز بوده، اما روندی مستقیم و رو به رشد داشت بطوری که در ظرف ۴ سال این تعداد را به بیش از ۴ برابر میزان اولیه خود رسانده بود. اما از سال ۱۳۷۷ که این کمیته در محل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری متمرکز گردید تعداد پذیرش به یک باره به حدود نصف خود کاهش یافت و این روند حتی از سال ۱۳۸۲ که دبیرخانه مرکزی در دفتر دانشگاه تعطیل و امر تشکیل و بررسی پرونده‌ها نیز به محل وزارت یاد شده منتقل گردید به فراز و نشیب خود ادامه داده است.

البته در برخی گزارش‌ها، آمار بسیار متفاوت و غریبی از تعداد پذیرش دانشجویان بین‌المللی ارائه شده است که با واقعیت فاصله بسیاری دارد. در گزارش مجید بزرگمهری، «رقم پذیرش شدگان و شاغلین به تحصیل در ایران برابر **۲۵۷۸ نفر از ۷۳ ملیت**»[vii] عنوان شده در حالی که باید میان پذیرش شدگان و شاغلین به تحصیل تفاوت قائل شد. بایگانی دبیرخانه، حاکی از تعداد کل پذیرش شدگان است و نه افراد شاغل به تحصیل در ایران و تازه رقم تعداد پذیرش شدگان از سوی دبیرخانه مرکزی دانشگاه بسیار بالاتر و بالغ بر ۷۳۲۶ نفر است. بعبارت بهتر از **آمار بایگانی نمی**توان فهمید دانشجویی که پذیرش شده اساسا وارد ایران شده یا نه و اگر هم وارد کشور شده باشد در حال گذراندن دوره آموزش زبان است یا در رشته مورد علاقه خود ثبت نام کرده و وارد دانشگاه شده است. در این حالت هم باز معلوم نیست دانشجو در **دانشگاه بین‌المللی امام خمینی یا دیگر دانشگاه**ها مشغول تحصیل شده باشد و این احتمال وجود دارد که برخی از آنان در طول تحصیل بنا به دلایل مختلفی از کشور اخراج یا از ادامه تحصیل منصرف شده باشند. در واقع بسیاری از اطلاعات اصلا وارد برنامه رایانه‌ای دبیرخانه نشده و برخی از اطلاعات وارد شده نیز به روز نبوده است. این آمار بایگانی رایانه‌ای، رقم ۷۳۲۶ از ۱۰۳ کشور را گزارش می‌کند که بیشترین اینها از منطقه آسیا، اهل افغانستان (۸۹۵ نفر)، از آسیای غربی اهل سوریه (۷۰۶ نفر)، از آفریقا اهل سودان (۲۳۹ نفر)، از اروپا اهل بوسنی و هرزگوین (۳۷ نفر) و از آمریکا اهل ایالات متحده (۶ نفر) بوده‌اند. برخی گزارش‌های کارشناسان رقم «۷۵۰۰ فقره پرونده» را ذکر می‌کند[viii] و برخی دیگر رقم ۲۶۲۷

را نیز غیر قابل استناد دانسته و چنین اظهار می‌دارد:

این آمار نمی‌تواند بر شاغلین به تحصیل دلالت داشته باشد چرا که تعدادی از پذیرش شدگان بنا به دلایلی برای ادامه تحصیل مراجعه نمی‌کردند و از آنجا که داوطلبان پذیرش شده پس از ورود به ایران برای گذراندن دوره زبان فارسی عازم مرکز آموزش زبان فارسی و پس از آن دانشگاه‌های کشور می‌شدند، آمار دقیقی از وضعیت ادامه تحصیل آنان از سوی مراکز مذکور به این دبیرخانه ارائه نمی‌گردید.[ix]

علت نادرستی این آمار به کارشناسان مختلف از دستگاه‌های متعدد نیز باز می‌گردد که از ابتدای فعالیت این دبیرخانه عهده دار این مسئولیت شده بودند. برای نمونه در گزارش علی اصغر ورسه‌ای، رییس وقت دانشگاه، در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۵ به شماره ۶۷۳۱ خطاب به بازرسان ریاست جمهوری، تعداد این دانشجویان «حدود ۵۰۰ دانشجوی خارجی» ذکر شده بود. در گزارشی نیز که روابط عمومی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در بهار ۱۳۸۳ با عنوان «گزارش عملکرد دهساله ۱۳۷۲-۱۳۸۲» منتشر کرد، آمار «دانشجویان خارجی دفتر پذیرش مرکز آموزش زبان فارسی» یکبار در صفحه ۲۸ گزارش تعداد «۲۳۶۹ نفر از ۷۹ ملیت متفاوت» ذکر شد در حالی که در جای دیگر در صفحه ۳۰ آن جدولی ارائه شده بود که تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل را رقمی بالاتر از تعداد پذیرش شدگان و بالغ بر ۲۳۶۳ نفر از ۷۷ ملیت ذکر کرده بود. گزارشی که بر اساس صورت جلسات کمیته علمی تهیه شده بود تعداد پذیرش شدگان در هر سال را اعم از آنکه این نشست‌ها در محل دانشگاه یا در وزارت بوده است به شرح جدول شماره ۱ ارائه کرده است که بالاترین میزان پذیرش مربوط به سال ۱۳۸۱ است که رقم آن استثنائی و به دلیل پذیرش تعداد ۳۸۲ تبعه افغانستان از طریق آزمون بوده است و جمع این تعداد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ به میزان ۵۳۲۰ نفر بوده است.

دشواری‌های سرسام آور بررسی تعداد شاغلین به تحصیل منحصر به این دوره طولانی بیش از ده سال گذشته ایران نیست بلکه در مورد شاغلین به تحصیل در حال حاضر نیز پراکندگی و اختلاف آماری جدی مشاهده می‌شود. آخرین آماری که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه و نگاهداری می‌شود مربوط به تاریخ ۱۳۸۶/۲/۸ است رقم دقیق دانشجویان بین‌المللی شاغل به تحصیل در ایران را بر حسب کشور متبوع، جنسیت، نوع بورسیه، رشته و مقطع تحصیل، وضعیت خانواده و دانشگاه محل تحصیل طبقه‌بندی کرده و رقم کل آن را ۸۵۱ نفر از ۷۱ ملیت اعلام کرده است. بیشترین این دانشجویان به ترتیب از افغانستان (۱۴۵ نفر)، سوریه (۱۳۶ نفر)، عراق (۸۲ نفر)، یمن (۶۲ نفر)، لبنان (۶۱ نفر)، تاجیکستان (۴۰ نفر)، چین (۳۸ نفر) و ترکیه (۳۳ نفر) بوده است.

بررسی ۷۴۰۴ پرونده مردودان موجود در دبیرخانه پذیرش دانشجویان غیر ایرانی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی حاکی از آن است میزان تقاضا برای ادامه تحصیل در دانشگاه با میزان پذیرش دانشجو از مناطق و ملیت‌های مختلف جهان یک رابطه مستقیم داشته است. از این تعداد مردودان، تعداد ۱ نفر از آمریکای جنوبی، ۲ نفر از اقیانوسیه، ۱۰ نفر از آمریکای شمالی، ۱۱ نفر از آمریکای مرکزی، ۱۹ نفر (۰.۳٪) از غرب اروپا، ۸۳ نفر (۱.۱٪) از شرق آسیا، ۹۱ نفر (۱.۲٪) از شرق اروپا، ۶۸۷ نفر (۹.۳٪) از آسیای میانه و قفقاز، ۷۱۴ نفر (۹.۶٪) از شبه قاره، ۸۳۰ نفر (۱۱.۲٪) از خاورمیانه بودند در حالی که بیشترین آمار مردودان ۴۹۵۶ نفر (۶۶.۹٪) از آفریقای مرکزی و جنوبی بودند. تعداد ۱۲۲۳ مورد (۱۶.۵٪) از مردودان نیز از میان دولت‌های همسایه و تعداد ۶۱۸۱ مورد (۸۳.۵٪) از میان دولت‌های غیر همجوار درخواست شده بود.

جدول ۲: آمار مردودان بر حسب جنس، مذهب، معرف و علت رد درخواست

		تعداد	درصد			تعداد	درصد
جنس	مرد	۶۷۳۵	۹۱.۵	علت رد درخواست	نقص پرونده	۴۱۲۲	۵۶.۳
	زن	۶۲۵	۸.۵		کمبود سن	۱۳۰۷	۱۷.۸
مذهب	مسلمان	۷۱۲۸	۹۷.۸		نقص مدرک	۱۲۶۷	۱۷.۳
	مسیحی	۱۶۰	۲.۲		انصراف	۳۵۲	۴.۸
معرف	درخواست شخصی	۲۹۱۰	۶۱.۰		مدرک ایرانی	۱۰۵	۱.۴
	وزارت امور خارجه	۸۵۸	۱۸.۰		تکمیل ظرفیت	۷۵	۱.۰
	وزارت علوم	۵۰۸	۱۰.۶		عدم تأیید مراجع	۷۰	۱.۰
	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۱۹۷	۴.۱		اخراج	۲۱	۰.۳
	دانشگاه‌ها	۸۷	۱.۸		بیماری	۵	۰.۱
	حزب وحدت	۶۱	۱.۳	مردود شدگان بر حسب سال	۱۳۷۷	۱۶۶۵	۲۲.۵
	مدرسه امام مهدی	۴۸	۱.۰		۱۳۷۶	۱۵۶۸	۲۱.۲
	وزارت بهداشت	۳۸	۰.۸		۱۳۷۵	۱۲۵۱	۱۶.۹
	دفتر رهبری	۳۲	۰.۷		۱۳۷۸	۹۱۴	۱۲.۳
	حزب الله	۲۷	۰.۶		۱۳۷۴	۹۰۸	۱۲.۳
	بیمه اکو	۵	۰.۱		۱۳۷۹	۳۶۹	۵
	نهضت	۱	۰		۱۳۷۳	۲۶۸	۳.۹
دارای مدرک تحصیلی	دیپلم	۴۴۴۴	۸۲.۷		۱۳۸۰	۱۸۷	۲.۵
	کارشناسی	۵۷۶	۱۰.۷		۱۳۸۲	۱۲۸	۱.۷
	زیر دیپلم	۱۹۷	۳.۷		۱۳۸۱	۱۲۱	۱.۶
	کارشناسی ارشد	۱۲۹	۲.۴		۱۳۷۲	۴	۰.۱
	دکتری عمومی	۲۵	۰.۵		۱۳۷۱	۲	۰
					۱۳۷۰	۱	۰

موانع و مشکلات پذیرش دانشجویان بین‌المللی

در بخش نخست این پژوهش به تحولاتی که در الگوی پذیرش دانشجویان بین‌المللی صورت گرفت اشاره شد بی‌آنکه قانون تأسیس مورد بازنگری قرار گیرد. علاوه بر این قبیل تفاوت‌ها و تضادهای قانونی، مشکلاتی هم بطور اتفاقی و حتی عادی در اتخاذ الگوی پذیرش دانشجوی بین‌المللی بوجود می‌آمد که با عدم توجه دقیق و راهبردی به آن بطور فزاینده ادامه یافت و نتیجه آن همین فراز و نشیبی است که در تعداد پذیرش مشاهده می‌شود. برخی از این موانع و مشکلات از اعمال نظر و سلیقه شخصی و بعبارتی سهل‌انگاری مقامات مسئول دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در اعمال قانون و اساسنامه ناشی می‌شد. من در طول سال‌ها خدمت آموزشی و اجرایی در این دانشگاه شاهد بودم که چگونه مقامات دانشگاه در دوره‌های مختلف تلاش می‌کردند تا از مزیت نزدیکی به تهران برای افزایش تعداد دانشجویان ایرانی که سازمان سنجش اعلام می‌کند و کسب اعتبارات بیشتر بودجه استفاده کنند و نارسایی مالی ناشی از پذیرش دانشجویان بین‌المللی را

از این طریق جبران کنند.

ناتوانی در جذب نیروهای کارشناس، عدم مدیریت راهبردی و کوتاهی در صرف وقت لازم برای سرپرستی این دانشجویان غیر ایرانی باعث حیف و میل در هزینه بودجه و عدم استفاده بهینه از امکانات اندک موجود شده بود. اینجانب که سال‌ها پیش مسئولیت مدیریت امور دانشجویی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی را برعهده داشتم شاهد بودم که چگونه میان معاونت دانشجویی دانشگاه و سرپرستی دانشجویان غیر ایرانی برای در انحصار درآوردن امور دانشجویان غیر ایرانی رقابت صورت می‌گرفت. سرپرستی با استناد به قانون تأسیس، اولویت هزینه اعتبارات دانشگاه را در امور دانشجویان غیر ایرانی می‌دانست و معتقد بود که باید امکانات مناسب‌تری را برای این دسته از دانشجویان فراهم کرد در حالی که از نظر معاونت دانشجویی آن حوزه نیز باید همچون دانشجویان داخل به زیر نفوذ این معاونت درمی‌آمد و تفاوتی میان دانشجویان داخلی و خارجی وجود نداشته باشد و چون موفق به تأمین خواسته خود نمی شد از تأمین اعتبارات مورد نیاز آن سرپرستی نیز کوتاهی می‌کرد. سرپرستی هم که به تنهایی از اعمال یک نظارت کافی بر امور معیشتی و فوق برنامه دانشجویان غیر ایرانی ناتوان بود یارای رفع نواقص تأسیسات خوابگاهی آنها را نداشت چه رسد به پرداختن به امور فرهنگی و برگزاری اردوهای تفریحی و که نمونه اخیر آن در نوروز ۱۳۸۶ بود که در اردوی تفریحی اصفهان که برای دانشجویان غیر ایرانی برگزار کرده بود از اجرای برنامه فرهنگی آن باز ماند.

از اینها گذشته برخی از موانع و مشکلات ناشی از تفاوت در رفتار و سبک زندگی ایرانیان و مردم محل است. نه فقط برای مردم محلی بلکه برای دانشجویان ایرانی نیز این عجیب و غیر قابل تحمل است که یک دانشجوی پسر غیر ایرانی با مایو برای خرید به فروشگاه محلی بیاید یا از بالکن خوابگاه خود به بیرون ادرار نماید. اینکه یک عده دانشجوی چینی در خوابگاه دانشجویی خود گربه را کشته، پخته و خورده باشند حتما برای دانشجویان ایرانی و غیره مشمئز کننده و چندش آور خواهد بود و واکنشی ولو محترمانه اما بالاخره معترضانه در پی خواهد داشت که بارها داشته است. در برخی موارد مثل حضور دانشجویی با رنگ پوست قهوه‌ای سوخته یا چشمانی همیشه نیمه بسته در میان دانشجویان ایرانی یا زنان محجبه عربی که با لباس‌های رنگارنگ خود در حین صحبت بطور مرتب دست و تن خود را حرکت می‌دهند بطور ناخودآگاه موجب تعجب دانشجویان ایرانی و دیگر افراد محلی در اماکن عمومی بیرون دانشگاه می‌شود. رفتار برخی فروشندگان و رانندگان تاکسی نیز که هزینه بیشتری را برای خدمات خود طلب می‌کنند از دیگر موانع این دست است. به منظور بررسی مشکلات این دانشجویان، پرسشنامه‌ای تهیه و در میان ۲۵ نفر از دانشجویان دختر و پسر غیر ایرانی مشغول تحصیل در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی از ملیت‌های مختلف توزیع کردم.

۴۰ درصد پرسش شوندگان، فرهنگ اسلامی و ایرانی را عامل اصلی انتخاب کشور ایران برای تحصیل دانشگاهی خود برگزیدند و بعد از آن ۳۶ درصد به اهمیت زبان فارسی در این انتخاب خود اشاره داشتند و باقی به مواردی همچون نزدیکی به محل اقامت و کشور متبوع خود توجه داشتند. ۳۱ درصد از پرسش شوندگان در پاسخ به اینکه چرا دانشگاه بین‌المللی امام خمینی را برای ادامه تحصیل برگزیده‌اند از آشنایی پیشین خود یاد کرده‌اند و با توجه به اینکه ۱۵ درصد نیز ساکن شهر قزوین و حومه آن بوده‌اند ۲۱ درصد هزینه کمتر تحصیل و اقامت در این شهر را عامل تعیین کننده تصمیم خود ذکر کرده‌اند.

جدول۳: جامعه دانشجویان پرسش شونده

		تعداد	درصد			تعداد	درصد
جنس	مرد	۱۷	۶۸	ملیت	افغانستان	۵	۲۰
	زن	۸	۳۲		عراق	۴	۱۶
ازدواج	متأهل	۴	۱۶		ترکیه	۳	۱۲
	مجرد	۲۱	۸۴		قزاقستان	۲	۸
سن	۳۰-۳۵	۱	۴		سومالی	۲	۸
	۲۵-۲۹	۷	۲۸		تاجیکستان	۲	۸
	۲۰-۲۴	۱۷	۶۸		کره جنوبی	۲	۵
مشغول تحصیل در دوره	فارسی پیشرفته	۴	۱۶		هند	۱	۴
	پیش دانشگاهی	۳	۱۲		روسیه	۱	۴
	رشته دانشگاهی	۱۷	۶۸		دانمارک	۱	۴
					تایلند	۱	۴
					آذربایجان	۱	۴
					فارسی پایه	۱	۴

۶۲ درصد پرسش شوندگان از طریق دوستان خود با دانشگاه بین‌المللی امام خمینی آشنا شده‌اند که در مقایسه با ۱۶.۷ درصدی که از طریق فعالیت دستگاه‌های دولتی به دانشگاه راه یافته‌اند یا ۸.۳ درصدی که از طریق دولت متبوع خود یا آگهی روزنامه‌ها پی به وجود چنین دانشگاهی برده‌اند حایز اهمیت بسیاری است. رفاه و خشنودی دانشجویان کنونی عامل تعیین کننده‌ای در اقبال یا عدم اقبال داوطلبان غیر ایرانی به این دانشگاه خواهد بود. جدول ۳ بیانگر میزان رضایت این دانشجویان از ابتدای آشنایی آنها با دانشگاه تا انتهای تحصیل آنها می‌باشد. با وجودی که ۹۵.۸ درصد دانشجویان هیچگونه محدودیتی در انجام مراسم مذهبی خود اظهار نکرده‌اند و از نظر ۹۲ درصد آنان نیز محدودیتی در تشکیل انجمن‌های فرقه‌ای، قومی و ملی خود احساس نشده است اما احساس محدودیت مذهبی برای ۴.۲ درصد آنها به نظر می‌رسد که مربوط به دانشجویان کره‌ای و تایلندی باشد که عمدتا بودایی هستند یا از ابراز آیین مذهبی خود خودداری کرده‌اند و محدودیت فرقه‌ای، قومی و ملی برای ۸ درصد دانشجویان غیر ایرانی هم قابل توجه و عاملی برای انزواطلبی آنان شده است. ۶۰ درصد دانشجویان غیر ایرانی پرسش شونده در برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه شرکت نمی‌کنند و این در حالی است که ۷۳.۹ درصد آنان وضعیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه را متوسط و خوب ارزیابی کرده‌اند. ۸۴ درصد آنان نیز در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی ایرانیان شرکت نمی کنند و این نشان می‌دهد که حضور دانشجویان ایرانی در کنار آنها نتوانسته به دوستی و نزدیکی میان آنها کمک شایانی بنماید. با وجودی که برای ۵۲ درصد اینان فرقی نمی‌کند که با کدام گروه دانشجویی فعالیت و همکاری نمایند اما تمایل ۸ درصد آنان برای همکاری با گروه‌های ایرانی، ۱۲ درصد با

گروه‌های کشور متبوع خود و ۲۰ درصد با کشورهای دیگر حاکی از این است که توجه و تشویق دانشجویان غیر ایرانی به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان ایرانی می‌تواند آنها را از انزوا رهانیده و زندگی با نشاطی را در طول اقامتشان در ایران و شهر و دانشگاه فراهم کرد. در نتیجه رقم ۷۵ درصدی که برای ادامه تحصیل در مقطع بعدی این دانشگاه اظهار بی علاقگی کرده‌اند علاقمند شوند.

جدول ۳: احساس دانشجویان غیر ایرانی از وضعیت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

	خوب (درصد)	متوسط (درصد)	ضعیف (درصد)
وضعیت اطلاع رسانی دانشگاه	۱۲.۵۰	۴۵.۸۰	۴۱.۷۰
وضعیت استقبال	۲۱.۷۰	۳۹.۱۰	۳۹.۱۰
نحوه برخورد مسئولان دانشگاه	۰	۶۴.۰۰	۳۶.۰۰
نحوه برخورد دانشجویان	۱۲.۰۰	۶۴.۰۰	۲۴.۰۰
نحوه برخورد مردم قزوین	۴.۲۰	۶۲.۵۰	۳۳.۳۰
وضعیت مسکن دانشجویی	۱۲.۰۰	۵۶.۰۰	۳۲.۰۰
وضعیت غذای دانشجویی	۰	۴۴.۰۰	۵۶.۰۰
وضعیت ورزشگاه‌های دانشجویی	۱۸.۲۰	۶۸.۲۰	۱۳.۶۰
وضعیت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه	۱۳.۰۰	۶۰.۹۰	۲۶.۱۰

نتیجه

بررسی الگوی پذیرش دانشجوی بین‌المللی و همچنین روند پذیرش و تحولات آنها حاکی از نقائص و کمبودهایی است که می‌توان با بازنگری و تدوین راهبردی مشخص و همچنین اصلاح مشکلات موجود به حل آنها فایق آمد. آنچه عجیب می نماید این است که برخی از مسئولان دانشگاه با شنیدن ابراز تمایل دانشجویان کشورهای همسایه به تحصیل در ایران روی در هم می‌کشند و تنها به درخواست‌های اروپایی می‌اندیشند. اینان که نه امور کوچک را در شأن خود می‌دانند نه توان انجام کارهای بزرگ دارند به این موضوع نمی‌اندیشند که صرف بودجه کشور برای اعطای بورسیه در رشته‌هایی که خود واردکننده آن هستیم نمی‌تواند سودمندتر از تقویت رشته‌هایی مثل ادب فارسی و معارف اسلامی باشد که معدن و منبع آن هستیم.

اصلاح مدیریت، تعیین مدیران برجسته و دلسوز به اهداف دانشگاه و افرادی که اگر سمت های دیگری دارند اما وجهه نظر اول خود را در گسترش دانشگاه نهاده و وقت و همت خود را صرف این مهم نمایند از آرزوهای دیرینه شده است. برای مثال اینجانب که از سال ۱۳۷۴ به خدمت در این دانشگاه مشغول هستم از نزدیک عدم تسلط رییسان مختلف این دانشگاه به زبان انگلیسی را شاهد بوده ام و کارشناسانی که عددشان کمتر از انگلشتان دست است به زبان انگلیسی مسلطند و همه اینان نیز در سمت‌های دیگری که نیازی به زبان انگلیسی ندارد مشغولند و بارها مشاهده کرده ام که از انگلستان یا هندوستان با دانشگاه تماس گرفته اند ولی کسی یارای پاسخگویی آنان نبوده است. حال چگونه ممکن است در چنین دانشگاه بین‌المللی بتوان کلاس‌های درسی را به زبان‌های اردو و عربی و انگلیسی اداره کرد.

متأسفانه مسائل سیاسی و جناحی در این دانشگاه نیز همچون دیگر دانشگاه‌ها رسوخ چشمگیری داشته است. اختلاف میان